

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

بشیر نیی

۳۱ اکتوبر ۲۰۱۱

## ابراز نفرت و انزجار مدعوین از یک چهره رسوا شده در یک محفل

چندی پیش در یک محفل که مهمانان زیادی حضور به هم رسانده بودند، دوستی مسن و قابل احترام همه، که سال ها به حیت مدیر و مدیر عمومی در ادارات دولتی (در دوره ظاهر شاه و اوایل داوود خان) ایفای وظیفه کرده ورقه چند لا شده ای را از جیب اش درآورد و آن را به من داد. پیش از این که بگویم مدیر صاحب این چه است . موصوف گفت :

"همین ورقه را کسی به من داد و خواهش کرد که آنرا بخوانم و به دیگران هم بدهم . حالا اگر زحمت نشود شما آنرا بلند بخوانید که مهمانان همه بشنوند که چه گفته ... "

تعدادی هشت یا ده تن مهمانی که در قسمتی از سالون آن خانه نشسته بودند از سایر مهمانان جدا شده به طرفی که ما چند تن گرد آمده بودیم، آمدند تا بدانند که در آن ورق چه نوشته شده. ورقه چند لا شده و دست به دست گشته را باز نموده شروع به خواندن آن کردم. در جریان مطالعه متوجه شدم که سه چهار خانم هم به موضوع علاقه گرفته از آن طرف سالون به طرف ما آمدند. تصمیم گرفتم از مطالعه بقیه آن "شب نامه" که در رابطه با مسایل جنسی و اخلاقی لومپانه تماس گرفته بود، منصرف شوم . مگر مهمانان به شمول خانمهای تحصیل کرده از من خواستند که نوشته مذکور را تا به آخر باید بخوانم. نوشته که تمام شد، مهمانان با خشم آشکار به طرف آن "شب نامه" دیده ، هر کدام به نوعی نفرت و انزجار شانرا از نویسنده آن آشکار ساختند. مخصوصاً خانم ها ، نویسنده را شخص بی حیا و عاری از فرهنگ ملی و ارزشهای اخلاقی خواندند و از این که در بین اختلافات سیاسی به عفت و شرافت زانی که حتی می تواند شامل همسر شب نامه نویس نیز بگردد، توهین کرده انزجار و نفرت مکرر خود را بیان داشتند .

دو سه تن از مهمانان یکی پی دیگر اظهار داشتند که از متن نوشته و کاربرد جمله ها و واژه ها برداشت کرده اند که نویسنده آنرا می شناسند. آنگاه هر سه مهمان از یک نفر نام برده گفتند که نام نویسنده شب نامه (...)

است . آن‌عه از مهمان که نویسنده شب نامه را (قرار گفته خودشان) می شناختند در مورد وی مطالب حیرت برانگیزی را بیان کردند که درج آنهمه مطالب و معلومات و قضاوت مهمانان به خصوص داوری آمیخته با خشم و نفرت زنان روشنفکر در مورد وی (نویسنده "شب نامه") را در اینجا لازم نمی دانم بیاورم مگر در زمانش تذکر خواهم داد . ولی قسمتی از گفته آن مرد کهنسال و گرم و سرد روزگار دیده را در این جا تذکر می دهم :

بعد از آن که گفت و گو و نظرات مهمانان در مورد نویسنده "شب نامه" تمام شد ، مدیر صاحب که حدود هشتاد سال عمر دارد ، سرش را شور داده صحبت های زیادی در مورد نویسنده "شب نامه" نمود. در اخیر اضافه کرد :

" من این شخص را که شما سه نفر کتاب خوان نامش را گرفتید کم و بیش می شناسم . همینقدر می گویم کسی که نورچشمی (رشید آرین) و (محمود بریالی) بوده باشد باید هم با زبان جاسوسان روسی به ارزشهای فرهنگی ما لطمه بزند. .... » .

این جانب پیش از نشر "شب نامه" اش این به اصطلاح "سیاستمدار!!" و " نویسنده !! " و " نطق !!" و "تاریخ دان !! " شاعر ملی !! " و .... و .... ؛ را فکر می کردم به درستی می شناسم ، ولی با مطالعه "شب نامه" اش و معلوماتی که مهمانان در آن شب در مورد وی ارائه نمودند، ابعاد تا کنون پنهان مانده ای از شخصیت به اصطلاح "نامدار ! " وی آشکار گردید که آنرا بایست با جمعی از دوستان مسؤولانه در میان گذاشت ، تا هویت واقعی این فرد عیان گردد .